

پیشران ها و موانع گسترش روابط ایران و روسیه در غرب آسیا

احمد بروایه



دیدار دوجانبه ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه و شهید حاج قاسم سلیمانی در سال ۱۳۹۳ و امضای معاهده محرمانه دوجانبه میان دو کشور را می توان یکی از نقاط عطف مهم در تاریخ روابط دوجانبه میان دو کشور طی قرن ۲۱ میلادی دانست. علاوه بر دستاوردهای کوتاه مدت این سفر که تشکیل ائتلافی چندجانبه میان روسیه و محور مقاومت به منظور مبارزه با تروریسم تکفیری بود، مهمترین دستاورد بلندمدت این سفر را می توان تغییر جنس روابط دوجانبه به سمت تحقق نوعی شراکت راهبردی دانست. این امر سبب شد که دو کشور همکاری تنگاتنگی در پرونده سوریه و پرونده های مرتبط از جمله مبارزه با تروریسم با یکدیگر داشته باشند که این همکاری نقش بسیار مهمی در تغییر روند حوادث در سوریه و شکست تروریسم در این کشور داشت. با این وجود عوامل مختلفی طی این سال ها سبب شدند که روسیه و ایران با وجود گسترش روابط دوجانبه به خصوص در حوزه های امنیتی، نتوانند به سمت ایجاد زیرساخت های تحقق اتحادی راهبردی حرکت نمایند. در این مقاله تلاش می گردد مهمترین پیشران ها و موانع اصلی تحقق این اتحاد بررسی گردد.

■ **پیشران های گسترش روابط همه جانبه میان روسیه و ایران در غرب آسیا**
مهمترین پیشران های بالقوه یا بالفعل گسترش روابط میان روسیه و ایران در منطقه را می توان به این صورت عنوان کرد:

• مبارزه با تروریسم تکفیری: درگیری گسترده روسیه با گروه های تروریستی در قفقاز شمالی در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ به خصوص در مناطقی همچون چچن، داغستان و اینگوش علاوه بر حملات تروریستی گسترده به غیرنظامیان روس همزمان با این درگیری ها سبب شده که این کشور به مانند جمهوری اسلامی ایران هر گونه فعالیت گروه های تروریستی و تکفیری در حوزه پیرامونی خود را به مثابه تهدیدی جدی برای امنیت ملی خود قلمداد نماید و در همین راستا سند استراتژی ملی روسیه در سال ۲۰۱۵ مبارزه با این پدیده را به عنوان یکی از اولویتهای اصلی کشور قلمداد نموده است.

• محافظت از امنیت و سلامت سرزمینی کشورهای منطقه: دو کشور ایران و روسیه در مورد محافظت از امنیت ملی و وحدت سرزمینی و نهادهای قانونی دولت سوریه و مخالفت با هرگونه برنامه تجزیه طلبانه در این کشور اتفاق نظر دارند و از این رو همکاری تنگاتنگی با یکدیگر در زمینه تحقق صلح در این کشور به خصوص در حوزه ایجاد مصالحه میان گروه های محلی و دولت و جدا کردن این گروه ها از نیروهای تروریست دارند و علاوه بر این همکاری های گسترده ای برای به نتیجه رساندن گفت وگوهای آستانه داشته اند. در حوزه های مرتبط با بحران قره باغ و همچنین بحران افغانستان، نزدیکی دیدگاه های دو کشور در زمینه لزوم عدم انجام تغییر در مرزهای نقشه ژئوپلیتیک منطقه قفقاز و لزوم ایجاد دولت فراگیر در افغانستان سبب شده است که دو طرف هماهنگی رو به رشدی در این دو پرونده مهم برای دو کشور داشته باشند.

• کاهش نفوذ امریکا در منطقه غرب آسیا: انقلاب اسلامی ایران به عنوان پرچمدار نگاه توحیدی در روابط بین الملل همواره یکی از موانع اصلی تحقق هیمنه امریکا در منطقه غرب آسیا محسوب می شده و ارزش های نظام برآمده آن یعنی نفی لیبرال دموکراسی، نفی سلطه پذیری، نفی سلطه گری و مقابله با تحمیل ارزش های مادی گرایانه همواره در تعارض با جهان بینی امریکا بوده است. از جانب دیگر روسیه نیز پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ میلادی، که ناشی از سرخوردگی ملت و نخبانان این کشور از غربگرایی دولت یلتسین و سیاست های خصمانه امریکا در قبال مسکو بود، سبب شد که سیاست خارجی روسیه به سمت تقابل با هیمنه غرب به عنوان تهدیدی جدی برای ثبات و امنیت این کشور

با وجود روابط تاریخی میان ایران و روسیه به خصوص طی سال های اخیر، مشاهده می گردد که مردم دو کشور در دو سطح نخبگانی و عام شناخت صحیحی از یکدیگر از جمله ظرفیت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین حساسیت های دو طرف ندارند. این امر تا حدودی ناشی از تأثیرپذیری مردم دو کشور از روایت هایی در مورد دیگری است که با هدف حفظ منافع جریان مسلط غربی تدوین شده اند. این امر به خصوص در ایران از این جهت حائز اهمیت است که پیوست اجتماعی و اقناع افکار عمومی یکی از لازمه های اصلی گسترش سطح روابط میان دو کشور است چرا که عدم درک صحیح و تعاملات اجتماعی گسترده می تواند مانعی جدی بر سرمانایی روابط دوجانبه قلمداد شود

و تلاش برای بازیابی جایگاه بین المللی مسکو به عنوان قدرتی برتر در عرصه جهانی جهت گیری کند. با توجه به این درک مشترک از تهدید - علی رغم تفاوت های مبنایی - می توان گفت جمهوری اسلامی ایران و روسیه حضور امریکا در منطقه غرب آسیا به خصوص در سوریه را حضوری ثبات زدا می دانند و منافع مشترکی در کاهش نفوذ مخرب این کشور در منطقه غرب آسیا به خصوص سوریه دارند. همکاری موفق دو کشور در سوریه به منظور مقابله با امریکا تجربه ارزشمندی را برای سیاستگذاران دو کشور به وجود آورده که امکان تسری آن به دیگر حوزه های همکاری به خصوص حوزه افغانستان را فراهم کرده است.

• کریدورهای بین المللی و امنیت دریایی: تلاش برای محافظت از امنیت کریدورهای جهانی به خصوص کریدور شمال - جنوب و استفاده از ظرفیت های این کریدورها به منظور رشد اقتصادی و رفاه از دیگر نقاط اشتراک میان دو دولت محسوب می گردد. رزمایش مشترک نیروی دریایی روسیه و ایران در دریای عمان و اقیانوس هند در بهمن ۱۳۹۹، رزمایش مشترک سه جانبه نیروهای دریایی ایران، چین و روسیه در جابهار در سال ۱۳۹۸ و همچنین سفر ناوگروه هفتاد و پنجم نیروی دریایی جمهوری اسلامی به سنت پترزبورگ از جمله نمودهای این همکاری های رو به رشد در عرصه حفاظت از کریدورهای بین دو کشور است. علاوه بر این تفاهات دو کشور در بهره برداری بهینه و همچنین توسعه کریدور شمال - جنوب و تلاش دو کشور برای تحقق صلح در منطقه قره باغ یکی از نمودهای مهم اشتراک نظر دو کشور در این حوزه است.

منع اشاعه سلاح های اتمی: با وجود اینکه رژیم صهیونیستی تنها موجودیت دارای سلاح اتمی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا محسوب می گردد و تاکنون از امضای پیمان منع گسترش سلاح های اتمی خودداری کرده، اما این رژیم تاکنون با هیچگونه فشاری از جانب کشورهای غربی برای از بین بردن سلاح های اتمی خود مواجه نبوده است. از جانب دیگر اما روسیه بارها در محافل بین المللی بر ضرورت ایجاد منطقه ای عاری از سلاح های هسته ای در منطقه غرب آسیا تأکید کرده و از این رو مواضعی نزدیک به جمهوری اسلامی ایران در حوزه منع اشاعه اتمی دارد.

■ **موانع اصلی گسترش روابط میان ایران و روسیه**

با وجود روابط رو به رشد میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدراتیو روسیه، گسترش بیش از پیش این روابط با برخی موانع روبه روست که امید است طی سال های آینده به طور کامل برطرف شوند:

• عدم شناخت مردم دو کشور از یکدیگر: با وجود روابط تاریخی میان ایران و روسیه به خصوص طی سال های اخیر، مشاهده می گردد که مردم دو کشور در دو سطح نخبگانی و عام شناخت صحیحی از یکدیگر از جمله ظرفیت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین حساسیت های دو طرف ندارند. این امر تا حدودی ناشی از تأثیرپذیری مردم دو کشور از روایت هایی در مورد دیگری است که با هدف حفظ منافع جریان مسلط غربی تدوین شده اند. این امر به خصوص در ایران از این جهت حائز اهمیت است که پیوست اجتماعی و اقناع افکار عمومی یکی از لازمه های اصلی گسترش سطح روابط میان دو کشور است چرا که عدم درک صحیح و تعاملات اجتماعی گسترده می تواند مانعی جدی بر سرمانایی روابط دوجانبه قلمداد شود.

• وجود جریان های غربگرا: وجود جریانات غربگرا در بروکراسی دو کشور و وجود لابی های غربگرا به خصوص لابی های صهیونیستی در روسیه که به رغم تضعیف آنان در دوران ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین هنوز هم در بروکراسی این کشور حضور دارند از جمله موانع گسترش روابط دوجانبه محسوب می گردند. در ایران با وجود پاکسازی کامل ساختار اداری از عوامل غربگرا در دوران پس از انقلاب، برخی سیاست های دولت قبل مبنی بر اولویت بخشی به تعامل با کشورهای اروپایی، به خصوص در دوران پسابرجام، منجر به بروز برخی نارضایتی ها در میان روس ها شده بود. در سطح اجتماعی نیز وجود جریانات فکری نزدیک به غرب به خصوص در حوزه روشنفکری و تأثیر آنان بر افکار عمومی از مهم ترین چالش های گسترش روابط در این حوزه محسوب می گردند.

• تمایزات هستی شناسانه: با وجود اینکه جمهوری اسلامی ایران و روسیه از منتقدان اصلی سیاست های امریکا و سیاست های مداخله جویانه آن محسوب می گردند و این امر را می توان یکی از پیشران های توسعه روابط دوجانبه دانست، تفاوت در چرایی مخالفت با نظم موجود، تفاوت در جهان بینی و تفاوت در الگویی که هریک از طرف ها برای جایگزینی این نظم ارائه می دهند یکی از تمایزات میان تهران و مسکو محسوب می گردد.

• اولویتهای متفاوت در بحران سوریه: با وجود نقش بی بدیل هم افزایی میان تهران و مسکو در شکست تروریسم و نجات دولت مرکزی سوریه، ایران و روسیه به خصوص پس از کاهش تنش های نظامی در این کشور اولویتهای و منافع خود را در برخی زمینه ها به صورت جداگانه در این کشور دنبال می کنند که در نتیجه این اولویتهای و منافع در برخی حوزه ها همسو، در برخی حوزه ها نامرتبط و در برخی حوزه ها ممکن است دچار چالش منافع شوند. بدون شک هم افزایی بیشتر میان دو کشور در حوزه سوریه می تواند تأثیرات مثبتی بر گسترش سطح روابط میان دو کشور داشته باشد.

■ **جمع بندی**

با وجود تأثیرات بیرونی و داخلی بر روابط دوجانبه میان دو کشور، می توان گفت روابط دوجانبه میان دو کشور از زمان سفر شهید سپهبد سلیمانی به مسکو در سال ۱۳۹۳ با قدم هایی استوار رو به گسترش بوده است که این امر تا حد زیادی ناشی از تمایل رهبران عالیرتبه دو کشور به گسترش روابط علی رغم چالش های پیش رو است. بدون شک سفر ریاست محترم جمهور به مسکو و همچنین عزم جدی دو دولت برای غلبه بر مشکلات، اداره اختلافات و تقویت اشتراکات تأثیر بسزایی بر گسترش روابط دوجانبه و ایجاد اتحادی ثبات زا در منطقه و جهان خواهد داشت.



ویژه نامه سفر رئیس جمهور به روسیه □ دی ماه ۱۴۰۰